

همان‌طور که گفته شد معاون دادستان ناحیه تل‌آویو، وکیل الیاهو شوارتز – شواف پیش‌نویس کیفرخواستی که روز ۱۳ نوامبر ۱۹۹۶ آماده شد را امضا کرد. اما سرانجام دادستانی ظاهراً به دستور دادستان کشور به دلایلی که برای من و وکیلیم عجیب بودند، به بستن این پرونده برای کمیود مدارک رأی داد. قضاوت صحیح کیجاست؟ برای رفق‌تانگو دو عامل ضروری بودند، اما اینجا رفاقی است و پیش‌رو که رفق شیطان را آغاز کرد و به او کاری نداشتند. اما تردید نکردم به سیستم دادگستری اسرائیل اطمینان کنم. ما سیستم دیگری نداریم وقتی سرزمین دیگری نداریم. بعد از این تصمیم عجیب و بی‌اساس یک روز کاراگاه خصوصی زئو لئوفر نزد وکیل ما ذن ابی-اسحاق آمد و اقرار کرد که اطلاعاتی قابل اطمینان و مدارک قطعی درباره استراق سمع سفارش داده شده و انجام شده برای آرنون موزس و حییم روزنبرگ، دست راست

فوراُ بعد از انجام این معامله با لئوفر، کاراگاه خصوصی دیوید اسپکتور دادخواستی برای دادگاه منطقه‌ای در تل‌آویو آماده و در آن ادعا کرد، که این معامله با لئوفر غیرقانونی است. قاضی سیروتا با رأی هیئت منصفه حکم داد

«**امید و شکست**» **خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امینتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۶۶**

# رقابت برای حذف رقیب

موزس، از روزنامه پدیدعوت آحارونوت در دست دارد. وکیل ابی-اسحاق به لئوفر گفت، که کل اطلاعاتی که دارد را به پلیس ارائه کند و شاهد دولت باشد. لئوفر پاسخ داد، که مایل نیست که شاهد دولت باشد، اما او حاضر است که این اطلاعات را در ازای مقدار پول قابل توجهی ارائه دهد. وکیل ابی-اسحاق به لئوفر توضیح داد که او به هیچ وجه با چنین شیوه‌ای موافق نیست مگر اینکه تمام مقامات رسمی و دیوان عالی کشور نظر قاضی سیروتا را کاملاً پذیرفت و رأیی را که هیئت منصفه نوشته بود تأیید کرد.

از بسته شدن پرونده علیه موزس و پدیدعوت آحارونوت خشمگین بودم. خیلی عصبانی بودم هم با وکیل دولت عدنا آریسل و هم با وکیل ناحیه تل‌آویو مشورت کرد و در نهایت مشاور حقوقی دولت چراغ سبز نشان داد و پرداخت پول به لئوفر به ازای اطلاعاتی که داشت را تأیید کرد. در این میان، زئو لئوفر رفت و صدای حییم روزنبرگ را درباره این موضوع واضح کرده و مدارک بسیار و استدلال‌هایی

و سیاحتی و بدون ابهام جمع‌آوری کرد که آرنون موزس نوآرها و شنودها را دریافت کرده و حتی مبالغ هنگفتی به ازای انجام این استراق سمع‌ها پرداخته است. خوشحال بودم، احساس کردم که سرانجام حقیقت روشن و برای همه آشکار خواهد شد که چه کسی موضوع پلید استراق سمع‌ها را آغاز کرده است. خیلی متأسف بودم که مجبور شدم مقدار زیادی پول برای آشکار کردن این حقیقت بپردازم. اما احساس کردم که اگر این پول آشکارکننده حقیقت است، پس ترجیح دادم که این پول را ببزردارم و این موضوع را روشن و آشکار کنم.



فوراُ بعد از انجام این معامله با لئوفر، کاراگاه خصوصی دیوید اسپکتور دادخواستی برای دادگاه منطقه‌ای در تل‌آویو آماده و در آن ادعا کرد، که این معامله با لئوفر غیرقانونی است. قاضی سیروتا با رأی هیئت منصفه حکم داد

## رقابت برای حذف رقیب

که این معامله کاملاً قانونی است و به افشای حقیقت بیشتر از هر چیز دیگری علاقه دارد. قاضی سیروتا نظر ما را پذیرفت، که علاقه زیادی به روشن‌سازی حقیقت در برابر عموم و دفاع از خودمان داشتیم زیرا سفارش شده علیه ما بود. اسپکتور از دادگاه عالی کشور درخواست تجدیدنظر کرد، اما درخواست تجدید نظر او رد شد، و دیوان عالی کشور نظر قاضی سیروتا را کاملاً پذیرفت و رأیی را که هیئت منصفه نوشته بود تأیید کرد.

من دوباره به سخنان عوفر قبل از صدور حکم در دادگاه قضات در تل‌آویو در ژوئن ۱۹۹۸ رجوع می‌کنم. با اشک در برابر قاضی می‌گوید که بر او و خانواده‌اش چه گذشته است و ادعا کرد، شرح حال داد و استدلال کرد که او فقط

**از روز اول متوجه شدم که این فقط یک رقابت برای توزیع روزنامه یا در باره بخش‌های نشریه نیست. خیلی سریع فهمیدم در این راه سخت، تلاش رقا منجر به از بین رفتن ما می‌شود، برای همه ما: برای روزنامه، برای خانواده نیمرودی و هزاران خانواده‌ای که پیش ما کار و زندگی می‌کنند.**

به دنبال پدیدعوت آحارونوت و موزس و روزنامه او که آغازکننده این موضوع ناراحت‌کننده بودند، عصبانی نبودم. مأمورانی هم که درباره پرونده استراق سمع علیه پدیدعوت آحارونوت تحقیق کردند از بسته شدن این پرونده، به دلیل کمیود مدارک، متحیر شدند و ادعا کردند که این تصمیم عجیب و بی‌اساسی است. بنابراین دادخواستی به دادگاه عالی دادگستری ارسال کردند و در آن تقاضا کردند که از دادستانی خواسته شود که بیابند و بگویند چرا تصمیم گرفته شده که جایی برای ارائه کیفرخواست در پرونده شنود علیه آرنون موزس مدیر مسئول پدیدعوت آحارونوت وجود نداشته باشد. به این

### پاورقی

ما رقابت نمی‌کنند، سعی نکردند فقط در کار روزنامه‌نگاری صادقانه از ما بهتر باشند، این‌ها ایزاری ناشایست بودند که در آن زمان برای من ناشناخته بودند.

با شگفتی متوجه شدم که از ما جاسوسی کرده‌اند، گزارش‌هایی از جلسات داخلی ما، تصمیمات اساسی و بازاریابی مخفی ما را به دست آورده‌اند. هر روز در سطل زباله من جست‌وجو کردند، تجسس کردند، تفتیش کردند، استراق سمع کردند و ما را تعقیب کردند. همچنین در خانه‌های مادران‌مان ما را رها نکردند. در خانه‌های شخصی‌مان گرفتار جاسوسی، دیدبانی، شنود، تعقیب دائمی بودیم، که ظاهراً تا امروز دادگاه درباره این اقدامات واکنشی نشان نداده است. این یک جنگ بود، و کسانی که با من می‌جنگیدند ابدأ باشرافت نبودند.

متأسفانه، به کارهایی که انجام دادم، کشیده شدم. مشکل این است که من نمی‌خواهم وانمود کنم، بگویم، که طور دیگری نمی‌توانستم؛ می‌توانستم. اگر بتوانم ساعت را به عقب برگردانم، این کار را انجام می‌دهم. اما از طرف دیگر، من نمی‌خواهم و نمی‌توانم شرایطی را که در آن بودم پاک کنم. من شیمانم و از صمیم قلبم برای اقداماتی که باعث شدند من در مقابل شما حاضر شوم متأسفم.

مورد هجوم آتش متقاطع، بی‌رحم، انگیزه شدید، بدخواهی، تمایل کور به شکست من و به تحقق شکست رقیب یعنی روزنامه معاریو قرار گرفتیم. از روی تجربه‌ام در تمام تجارت‌هایم و از روی فرهنگ تجارت که در آن تحصیل کردم می‌دانستم که در تجارت رقابت وجود دارد. اما متأسفانه همان‌طور که با گذشت زمان ثابت شد، دیوان عالی کشور امتیاز غیرمجازی به مقامات دادستانی داد.

من دوباره به سخنان عوفر قبل از صدور حکم در دادگاه قضات در تل‌آویو در ژوئن ۱۹۹۸ رجوع می‌کنم. با اشک در برابر قاضی می‌گوید که بر او و خانواده‌اش چه گذشته است و ادعا کرد، شرح حال داد و استدلال کرد که او فقط

**از روز اول متوجه شدم که این فقط یک رقابت برای توزیع روزنامه یا در باره بخش‌های نشریه نیست. خیلی سریع فهمیدم در این راه سخت، تلاش رقا منجر به از بین رفتن ما می‌شود، برای همه ما: برای روزنامه، برای خانواده نیمرودی و هزاران خانواده‌ای که پیش ما کار و زندگی می‌کنند.**

به دنبال پدیدعوت آحارونوت و موزس و روزنامه او که آغازکننده این موضوع ناراحت‌کننده بودند، عصبانی نبودم. مأمورانی هم که درباره پرونده استراق سمع علیه پدیدعوت آحارونوت تحقیق کردند از بسته شدن این پرونده، به دلیل کمیود مدارک، متحیر شدند و ادعا کردند که این تصمیم عجیب و بی‌اساسی است. بنابراین دادخواستی به دادگاه عالی دادگستری ارسال کردند و در آن تقاضا کردند که از دادستانی خواسته شود که بیابند و بگویند چرا تصمیم گرفته شده که جایی برای ارائه کیفرخواست در پرونده شنود علیه آرنون موزس مدیر مسئول پدیدعوت آحارونوت وجود نداشته باشد. به این

بر اساس اظهارات یکی از مقامات ارشد سازمان سیا، استورتات السوپ «یک عامل سازمان سیا بود». منابع دیگر نیز گزارش داده‌اند که السوپ به ویژه در گفت‌وگو با مقامات دول خارجی به این سازمان کمک می‌کرد– پرسش‌هایی را که سیا در پی پاسخ به آن‌ها بود مطرح می‌نمود، اطلاعات نادرستی را که به نفع ایالات متحده بود منتشر می‌کرد و امکان جذب اتباع خارجی دارای موقعیت مناسب را برای سیا ارزیابی می‌نمود. جوزف، برادر استورتات، ادعای «عامل» بودن برادرش را «کاملاً بوج و بی‌اساس» خواند و گفت: «من از استو به سیا نزدیک‌تر بودم، هرچند استو نیز ارتباط بسیار

**جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۲۱۵**

# سر‌دبیر «پاپلیک اینترست» در مظان اتهام

نزدیکی داشت.» اما او افزود: «با اطمینان می‌گویم که قطعاً برخی وظایف را انجام می‌داد- او به عنوان یک آمریکایی کاری را می‌کرد که باید انجام دهد… بنیانگذاران (اسپا) دوستان شخصی بسیار نزدیک ما بودند… این یک رابطه اجتماعی بود. من هرگز حتی یک دلار هم دریافت نکردم، هرگز قرارداد محرمانگیٔ امضا نکردم. لازم نبود… من کارهایی برای آن‌ها انجام دادم که فکر می‌کردم درست است. من آن را انجام و تفرقه شهروندی می‌نامم… سیا [آغوش خود را به روی کسانی که به آن‌ها اعتماد نداشت باز نمی‌کرد. آن‌ها به استو و من اعتماد داشتند.»

**ایروینگ کریستول، که اکنون به همراه دنیل بل سردبیر مشترک مجله‌ای به نام پاپلیک اینترستست بود (مجله‌ای که با کمک هدیه سه‌سخاوتمندانه ده هزار دلاری جوسلسون راه‌اندازی شده بود)، مستقیماً در مظان اتهام قرار گرفت. او بعدها گفت: «وقتی تام بریدن مقاله را منتشر کرد و گفت که یک مأمور سازمان سیا در اینکاونتر وجود داشته، خشمگین شدم، چون خوب می‌دانستم که من مأمور سازمان سیا نبوده‌ام و مطمئناً می‌دانستم که استیون اسپندر هم مأمور سازمان سیا نبوده است. به خدا قسم نمی‌دانم آقای بریدن هنگام نوشتن آن مقاله چه فکری در سر داشت.»**

**ایروینگ کریستول، که اکنون به همراه دنیل بل سردبیر مشترک مجله‌ای به نام پاپلیک اینترستست بود (مجله‌ای که با کمک هدیه سه‌سخاوتمندانه ده هزار دلاری جوسلسون راه‌اندازی شده بود)، مستقیماً در مظان اتهام قرار گرفت.**

اسپندر، که هرگز تحت سوءظن نبود، گفت: «من واقعاً نمی‌توانم باور کنم که کریستول بوده، واقعاً نمی‌توانم. این دلم که من نبوده‌ام.» از میان گزینه‌ها[ تنها گزینه باقی مانده اکنون لاسکی بود. سال‌ها بعد، او همان‌طور که قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسید، ادعای بریدن را به کلی به تمسخر گرفت و او را «پیرمردی علیل و سادازن مالیات صد بیست که آن را خست نتیجه یک مورد انتظار نداشت.» ادعای او مبنی بر اینکه سازمان یک مأمور در مجله اینکاونتر گذاشته بود، تنها می‌توانست با هدف افشای آن مأمور و تسریع استعفا ی او انجام شده باشد. براین اساس سازمان سیا ویرایش نکرده‌ام نه آن را مأموران ما بود، فردی با دستاوردهای فکری برجسته و توانایی نویسندگی و ما حقوقش را پرداخت می‌کردیم.»

اسپندر، که هرگز تحت سوءظن نبود، گفت: «من واقعاً نمی‌توانم باور کنم که کریستول بوده، واقعاً نمی‌توانم. این دلم که من نبوده‌ام.» از میان گزینه‌ها[ تنها گزینه باقی مانده اکنون لاسکی بود. سال‌ها بعد، او همان‌طور که قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسید، ادعای بریدن را به کلی به تمسخر گرفت و او را «پیرمردی علیل و سادازن مالیات صد بیست که آن را خست نتیجه یک مورد انتظار نداشت.» ادعای او مبنی بر اینکه سازمان یک مأمور در مجله اینکاونتر گذاشته بود، تنها می‌توانست با هدف افشای آن مأمور و تسریع استعفا ی او انجام شده باشد. براین اساس سازمان سیا ویرایش نکرده‌ام نه آن را مأموران ما بود، فردی با دستاوردهای فکری برجسته و توانایی نویسندگی و ما عامل سازمان سیا کیست؟ گفت: «با یا تو

**امام‌خمینی(ره) پس از تبیین نظام مالیات در اسلام، نظام مصرف را نیز تبیین کرده می‌نویسند: کسانی هستند که اداره زندگانی خود را نمی‌توانند بچرخانند. نه مال به‌قدر اعاشسه یک سال دارند و نه قوه کسب‌و کار و صنعت دارند. این‌ها فقرا و مساکینی هستند که به‌واسطه پیری یا نقصان اعضاء از کار افتاده باشند. دولت باید هر طور صلاح می‌داند آن‌ها را اداره کند یا دار‌العجزه تشکیل دهد و با کوبن بین آن‌ها بخش کند و از طرف وزارت اقتصاد حایت‌خانه‌هایی تشکیل داده و آن‌ها را به‌طور مناسب آبرومندانه از حیث خوراک و پوشاک اداره کند و یا آن‌که به خود آن‌ها مخارج سالیانه بدهد که خود را اداره کنند و در این جهت سادات و غیرسادات فرق ندارند…**

یک از این‌ها مردند و وارث نداشتند کلیه‌ی اموال آن‌ها ضبط دولت می‌شود و در مصالح توده و کشور خرج می‌شود. این‌ها مالیات‌های اجباری است که اگر اداره تبلیغات اسلامی به‌طوری‌که در قانون تبلیغات مدون است جریان پیدا کند توده در تأدیبه این مالیات‌ها خود با چهره گشاده اقدام می‌کند و دولت نیازمند به‌اجبار نمی‌شود و یکی از این همه خیا‌تنگاری‌ها که در تأدیبه مالیات کنونی کشور می‌شود در آن نخواهد شد و دولت اسلامی برای مأمورین وزارت مالیه شرایطی مقرر کرده که این خیا‌ت‌ها واقع نخواهد شد.»

**۲-۵. نظام مصرف مالیات در اسلام**

امام‌خمینی(ره) پس از تبیین نظام مالیات در اسلام، نظام مصرف را نیز تبیین کرده می‌نویسند: «۱- کسانی هستند که اداری زندگانی خود را نمی‌توانند بچرخانند. نه مال به‌قدر اعاشه یک سال دارند و نه قوه کسب‌و کار و صنعت دارند. این‌ها فقرا و مساکینی هستند که به‌واسطه پیری یا نقصان اعضاء از کار افتاده باشند.

دولت باید هر طور صلاح می‌داند آن‌ها را اداره کند یا دار‌العجزه تشکیل دهد و یا کوبن بین آن‌ها بخش کند و از طرف وزارت اقتصاد حیات‌خانه‌هایی تشکیل شود و آن‌ها را به‌طور مناسب آبرومندانه از حیث خوراک و پوشاک اداره کند و یا آن‌که به خود آن‌ها مخارج سالیانه بدهد که خود را اداره کنند و در این جهت سادات و غیرسادات فرق ندارند.

آری از بعضی جهات دیگر قفون میان این‌ها فرق گذاشته که عمده آن دو چیز است: یکی آن‌که به سادات فقیر عاجز نباید بیشتر از خرج یک سال بدهند و اگر زیاده به آن‌ها داده شد خود آن‌ها موظف‌اند که به صندوق دولت برگردانند؛ لکن فقراء غیرسادات را می‌توان بیشتر از مخارج یک سال هم داد؛ بلکه می‌توان آن‌ها را غنی کرد و شاید این سختگیری به سادات برای آن باشد که اشکال تراش‌های فصول گمان نکنند قانون اسلام طرفداری از سادات را کرده است. اکنون کسانی که از قانون هیچ اطلاع ندارند و کور‌کورانه می‌گویند پیغمبر اسلام برای اولاد خود راه دخل و گدایی باز کرده است تقصیر کیست؟! سادات یا غیرسادات اگر از خود چیزی داشته باشند و با صنعتی یا زنت آن‌ها برآید و یا قوه بدنی داشته باشند و بتوانند



بودی؟ آیا من نبودم؟ اصلا کی بودی گوش کن، ما کار خودمان را کردیم. نه، نه، نه، این خیال‌پردازی محض بود و نباید جدی گرفته شود، علی‌الخصوص توسط مورخان.» اما بریدن، سی سال بعد، قاطع و صریح گفت:

«هیچ خیال‌پردازی در کار نبوده است.» جوسلسون و همسرش از خیانت بریدن سخت در هم شکستند. دایانا در نامه‌ای به بریدن نوشت: «هن همیشه خاطرات خوبی از تو در مسابقات شش‌روزه دوچرخه‌سواری و غیره در ذهنم داشتم، نیازی به اشاره نیست که احترام زیادی به عملکرد حرفه‌ای‌تان قائل هستم و اکنون از خیانت بی‌دلیل شما به مایک و دوستانتش در مقاله‌تان بسیار ناراحتم. ادعای کاملاً نادرست شما که به وضوح ایروینگ کریستول را مقصر جلوه می‌دهد – کسی که ظاهراً فراموش کرده‌ای کاملاً بی‌خبر بود…»

وضعیتی آشفته و رنج شخصی به وجود آورده که باور دارم نمی‌توانی تصورش را کنی، هرچند شاید دریافته باشی که ضربه کشنده‌ای به یک مجله خوب وارد کرده‌ای… همان‌طور که من از تجربه ریزشم در این سال‌های طاقت‌فرسا می‌دانم و همان‌طور که تو نیز باید با قلبت به این موضوع رسیده باشی، تام: «اگر بخوام در این جهان یک مرد آزاد و مستقل معرفی کنم که در تنها در برابر وجدان خود پاسخگو است، آن مرد بدون شک مایک خواهد بود.» دایانا در پایان از بریدن خواهش کرد که عذرخواهی

کند و ادعای خود مبنی بر جاسوس بودن جوسلسون در کشور را پس بگیرد. نامه‌اش هرگز پاسخی دریافت نکرد.

پانوشته‌ها:

۱- قرارداد محرمانگی با پیمان رازداری. tight establishment, the brudband ۲. نتایج مورد انتظار را نداشت چون نامی افشا شده بود و بنابراین استعفا ی هم‌صورت نگرفت شاید مقصود از انتشار یادداشت مقصرنامی از یک فرد و اعلام عدم نفوذ سازمان یافته CIA به مجله اینکاونتر بود. ۴- بعداً نشریه معروف «ویکی استاندارد» در گروه «فراکس نیوز» روبرت مرداک را راه‌اندازی و مدیریت کرد. ۵- هرگز در قبا‌ب تصویر نبوده یعنی هرکز تحت سوءظن نبوده. ۶- ما براساس وظیفه‌ای که خودمان تعریف کرده بودیم عمل می‌کردیم.

خرج خود را در آورند دولت باید آن‌ها را به‌طور اجبار به کار وادار د و نباید از صندوق دولت به آن‌ها چیزی بدهد و این قانون مقدس اگر عملی شود تخم گدایی از کشور برچیده می‌شود؛ نه آن‌که گدایی راه می‌افتد. فرق دیگر که میان سادات و غیرسادات است آن است که سادات از مالیات صد بیست که آن را خست می‌گویند باید ببرند و فقراء دیگر از مالیات زکاتی باید ببرند. این یکی از مصارف بودجه است و از برای گیرنده شرایطی است: یکی از آن‌ها آن است که مالیات را در راه تخلف از قانون کشور خرج نکند که در این‌صورت از صندوق دولت به او چیزی نمی‌توان داد؛ بلکه اگر به‌طور آشکارا از قانون اسلام متخلف است گرچه پول دولت را در آن راه خرج نکند با‌ل دولت را به مصرف او رساند مشکل است.

۲- کسانی که قرض زیاد بیا کرده و از عهده‌ا‌ده آن برنمی‌آیند از قبیل تجار ورشکسته و کاسب‌هایی که سرمایه آن‌ها سوخت رفته است و مانند آن‌ها، دولت می‌تواند از صندوق زکات به آن‌ها بدهد و جریان قرض آن‌ها را بکند؛ بلکه می‌تواند به آن‌ها سرمایه هم بدهد که با آن کسب کنند و شرط است که قرض آن‌ها از تخلف قانون کشوری مانند قمار و امثال آن پیدا نشده باشد و در این‌جا نیز قانون مراعات غیرسادات را از سادات بیشتر کرده است؛ زیرا برای ا‌ده قرض سادات سهمی معین نکرده است. آری اگر سادات ورشکسته قوه کار دیگر ندارند دولت هر طور صلاح دید می‌تواند قرض آن‌ها را بدهد و سرمایه مختصری نیز برای اعاشه به آن‌ها بدهد.

۳- (سومین مصارف) که پس از دادن بودجه سادات و فقراء عمده مصرف بودجه است، صرف در مصالح کشور است در تأسیس ادارات کشوری و لشکری و ساختمان‌های مقنضی برای وزارتخانه‌ها و توسعه معارف و فرهنگ و دایره تبلیغات و ساختن راه‌ها و پل‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس و کشیدن خطوط آهن در موقع مقتضی و آنچه در عظمت کشور و معمور شدن آن دخالت دارد، و از این قبیل است تهیه سازوبرگ ارتش به هر طوری دولت صلاح می‌داند، و جمله کلام، تهیه برای اداره کردن کشور در داخل مملکت و برای حفظ عظمت و استقلال

خارجی دخالت دارد از بودجه دولتی باید تهیه شود و اگر دایره حسابداری جمع و خرج بودجه دولت اسلامی را درست بکند خواهد دانست که این بودجه تکافؤ برای همه مصارف لازمه می‌کند. علاوه بر این بودجه اجباری که اگر مردم ندادند دولت باید با قوه جبریه از آن‌ها بگیرد، در اسلام مالیات‌های بسیاری به‌طور ائانه و اختیار هست که اگر اداره تبلیغات جریان صحیح پیدا کند ممکن است بودجه مملکت مضاعف شود.»

پانوشته‌ها:
۱- اصل: لاهای. ۲- نقل‌ها. ۳- همه جور اشخاص مورد آن هست. ۴- کهن اسرار، ص ۲۵۸- ۲۵۵. ۵- همان، ص ۲۴۰- ۲۵۸.

**امام‌خمینی(ره) در پاسخ به پرسش هشتم گوشه‌ای از مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کنند و اقسام مالیات اسلامی را تشریح می‌کنند. ایشان در این زمینه می‌نویسند: در قانون اسلام چندین گونه مالیات است که بعضی از آن‌ها به‌طور اجبار گرفته می‌شود و بعضی از آن‌ها به‌طور اختیار دریافت می‌شود که باید هر یک از آن‌ها به‌طور اختصار تشریح شود. آن مالیات‌ها که به‌طور اجبار گرفته می‌شود به دو گونه است: یکی مالیات سسالیانه و همیشگی است و آن در وقتی است که کشور در آرامش است و مورد تهاجم اجانب نیست یا انقلابی در داخل کشور نیست، دوم مالیات به‌طور فوق‌العاده است و آن در وقت انقلاب خارجی یا داخلی است.**

در این شماره مباحث مربوط به دلالت‌های اقتصادی کتاب کشف‌اسرار را ملاحظه خواهید کرد:

##### ۵. دلالت‌های اقتصادی

##### ۱-۵. نظام مالیات در اسلام

امام‌خمینی(ره) در پاسخ به پرسش هشتم گوشه‌ای از مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کنند. ایشان در این زمینه می‌نویسند: در قانون اسلام چندین گونه مالیات است که بعضی از آن‌ها به‌طور اجبار گرفته می‌شود و بعضی از آن‌ها به‌طور اختیار دریافت می‌شود که باید هر یک از آن‌ها به‌طور اختصار تشریح شود. آن مالیات‌ها که به‌طور اجبار گرفته می‌شود به دو گونه است: یکی مالیات سسالیانه و همیشگی است و آن در وقتی است که کشور در آرامش است و مورد تهاجم اجانب نیست یا انقلابی در داخل کشور نیست، دوم مالیات به‌طور فوق‌العاده است و آن در وقت انقلاب خارجی یا داخلی است.

در این شماره مباحث مربوط به دلالت‌های اقتصادی کتاب کشف‌اسرار را ملاحظه خواهید کرد: